

آسیب‌شناسی شکاف‌های اجتماعی و ارائه راهبردهایی برای تقویت همبستگی ملی در ایران

علی‌اصغر قاسمی*

چکیده

این مقاله می‌کوشد با اتکاء به یافته‌های پژوهش‌های میدانی، وضعیت چهار شکاف اجتماعی عمده در جامعه ایران (شکاف‌های نسلی، جنسیتی، قومی و مذهبی) را آسیب‌شناسی کند و راهکارهایی برای تحکیم همبستگی اجتماعی و همگرایی ملی و تقویت الفت و دوستی در جامعه ایران ارائه نماید. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد شکاف‌های اجتماعی فوق، شکاف‌های فعالی در جامعه ایران نیستند، اما در میان مؤلفه‌های گوناگون همبستگی اجتماعی و همگرایی ملی، نگرش جوانان، زنان، اقوام ایرانی و هم‌وطنان اهل سنت به مقوله‌هایی چون «عدالت اجتماعی»، «اعتماد عمومی» و «کارآمدی نهادهای مسئولین»، چندان مثبت نیست و اصلاح سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های منتج به «کاهش فقر و تبعیض»، «افزایش مشارکت سیاسی و اجتماعی» و «افزایش تعاملات فرهنگی» در جامعه به ویژه در مناطق درگیر کشور برای تحکیم همبستگی اجتماعی، تقویت وحدت ملی و افزایش الفت و دوستی در جامعه ضروری است. تمرکز زمانی این پژوهش بر دهه ۱۳۸۰ می‌باشد.

واژگان کلیدی

ایران، شکاف‌های اجتماعی، همبستگی اجتماعی، همگرایی ملی، دوستی

Email: ghasemi_aliasghar@yahoo.com

* استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی

تاریخ پذیرش: ۹۳/۵/۱۰

تاریخ ارسال: ۹۲/۹/۱۲

فصلنامه راهبرد/سال بیست و سوم/شماره ۷۱/تابستان ۱۳۹۳/صص ۷۷-۴۷

جستارگشایی

دوستی یکی از مفاهیم مشترک در فلسفه و اندیشه سیاسی اسلام و غرب است. دوستی در فلسفه اخلاق ارسطو به عنوان یک هنجار مهم در حیات انسانی و اجتماعی برشمرده شده و در حوزه اندیشه اسلامی نیز متفکرانی مانند فارابی، ابن مسکویه و خواجه نصیر به این مفهوم توجه جدی نشان داده‌اند. در عصر مدرن و با حاکمیت اندیشه لیبرالیسم و تأکید بر «فردیت» انسان، مفهوم دوستی به حاشیه رانده شد، اما در دوران اخیر، متفکرانی همچون هابرماس با ایجاد پیوند بین دو مفهوم دوستی و همبستگی، بار دیگر آن را در اندیشه سیاسی احیا کرده‌اند.

ایران از جمله کشورهایی است که ارزش‌های معطوف به "دوستی" را در بطن فرهنگ دینی و ملی خود داشته و از آن برای مقابله با چالش‌های داخلی و خارجی و تحکیم همبستگی در کشور بهره جسته است. به همین دلیل در طول تاریخ علی‌رغم وجود تنوع و تکثر اجتماعی وسیع در کشور، این تنوع و تکثر نه تنها تهدیدی برای هویت ملی به شمار نمی‌رفته، بلکه شالوده‌های انسجام ملی را فراهم ساخته و تقویت کرده است. یکی از چالش‌هایی که در دو دهه اخیر برای همبستگی اجتماعی و همگرایی ملی در ایران به وجود آمده، شکاف‌های اجتماعی بوده است. بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد با توجه به مؤلفه‌هایی چون جوانی جمعیت، افزایش سطح آگاهی‌ها و تحصیلات زنان و تلاش دولت برای ایجاد توسعه متوازن در بخش‌های مختلف کشور از یک طرف و موضوعاتی چون جهانی‌شدن و تحریکات بیگانگان در جهت تضعیف امنیت ملی از طرف دیگر، چهار شکاف اجتماعی نسلی، جنسیتی، قومی و مذهبی در طول دو دهه گذشته در سپهر سیاسی اجتماعی ایران دارای اهمیت و تأثیرگذاری قابل توجهی بوده است.

با عنایت به ارتباط و پیوند دو موضوع شکاف‌های اجتماعی و تحکیم همبستگی ملی و تقویت الفت و دوستی در جامعه به مفهوم عام آن (یعنی مردم با یکدیگر و مردم با حاکمیت) این مقاله درصدد آسیب‌شناسی شکاف‌های اجتماعی فوق و به ویژه تبیین نگرش دو سرطیف شکاف‌ها به ابعاد و مؤلفه‌های همبستگی اجتماعی و ملی است تا از رهگذر این تحلیل، راهبردهایی برای مدیریت بهتر شکاف‌های اجتماعی، تحکیم همبستگی اجتماعی و همگرایی ملی و تقویت الفت و دوستی در جامعه فراهم آید. برای دستیابی به این هدف،

تلاش شده است به سؤالات زیر پرداخته شود: آیا شکاف‌های اجتماعی در کشور، شکاف‌های فعالی هستند؟ نگرش دو سر طیف شکاف‌های اجتماعی به موضوعات اساسی و مقوله‌های محوری کشور چگونه است؟ نگرش جوانان، زنان، اقوام ایرانی و اقلیت اهل سنت کشور به مؤلفه‌ها و ابعاد همبستگی ملی در مقایسه با کل جامعه تا چه حد متفاوت است؟ چه راهکارهایی برای تقویت دوستی و تحکیم همبستگی اجتماعی و ارتقاء پیوند بین دولت و ملت و افزایش همگرایی ملی می‌توان ارائه کرد؟

۱. مبانی نظری

۱-۱. شکاف‌های اجتماعی

مفهوم «شکاف اجتماعی» در علوم اجتماعی رواج گسترده‌ای ندارد، اما در جامعه‌شناسی سیاسی واجد اهمیتی در خور توجه است. جامعه‌شناسان کلاسیک با سه تعبیر متفاوت، شکاف‌های اجتماعی را توضیح داده و تبیین کرده‌اند: تعارض^۱، تضاد^۲، قشربندی^۳.

مفهوم «شکاف» در جامعه‌شناسی سیاسی عموماً برای اشاره به آن دسته از تمایزات و تفاوت‌های پایداری-فارغ از اینکه این تمایزات و تفاوت‌ها به صورت ارادی و اختیاری پدید آمده‌اند و یا به صورتی غیرارادی و تصادفی-مورد استفاده قرار گرفته که در جریان و روند رقابت‌های انتخاباتی و رفتار رأی‌دهندگان مشاهده شده است. از این رو، بیشتر مطالعات معطوف به بحث شکاف‌های اجتماعی، به صورت تجربی و ناظر به رفتار سیاسی در کشورهای اروپایی است. آنچه در این مطالعه مورد توجه است، نه محتوای این مطالعات، بلکه روش آنها در شناخت ابعاد و زوایای این پدیده و نحوه تقسیم‌بندی شکاف‌های اجتماعی است.

عالمان علوم اجتماعی از آن جهت به شکاف‌های اجتماعی علاقه‌مند هستند که دریابند شکاف‌های اجتماعی چگونه همهٔ ساحت‌ها و یا لاقلاً، بخشی از ساحت‌های تعامل انسانی و ساختار اجتماعی را شکل می‌دهند. به عبارت دیگر، شکاف‌های اجتماعی چگونه و با چه

1. Conflict

2. Collision

3. Stratification

سازوکاری به تعاملات انسانی و روابط بین افراد و ساختارهای اجتماعی نفوذ و رخنه می‌کنند. شناخت شکاف‌های اجتماعی از آن جهت مهم است که بسیاری از منازعات و اختلافاتی که در سطح زندگی سیاسی مطرح می‌شود، عمدتاً ناشی از شکاف‌های اجتماعی در جامعه است. آن چیزی که ممکن است امنیت یک جامعه را مختل کند، منازعات و اختلافات منتج از شکاف‌های اجتماعی است. به همین دلیل یکی از اهداف سیاست‌ورزی و زندگی سیاسی این است که در حد امکان از تشدید شکاف‌های اجتماعی جلوگیری شود، زیرا لازمه نظم سیاسی، عدم فعال شدن شکاف‌های اجتماعی در یک جامعه است.

در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان شکاف‌های اجتماعی را به دو دسته شکاف‌های ساختاری و تصادفی تقسیم کرد: شکاف‌های ساختاری آن دسته از شکاف‌های اجتماعی هستند که به مقتضای وجود جامعه پدید می‌آیند و ناشی از ویژگی‌های ذاتی و طبیعی جامعه بشری هستند. به طور مثال در همه جوامع بشری، تقسیم کار اجتماعی یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است و این تقسیم کار اجتماعی منجر به شکل‌گیری طبقات اجتماعی می‌شود. شکاف ساختاری دیگری که به مقتضیات ماهیت جامعه بشری وجود دارد، شکاف جنسیتی، میان مرد و زن است. همه جوامع بشری به طور طبیعی از نظر جمعیتی به دو بخش مرد و زن تقسیم و تفکیک می‌شوند. این شکاف ممکن است بالقوه باقی بماند و یا به یک شکاف اجتماعی بالفعل تبدیل شود. یکی دیگر از شکاف‌های ساختاری، شکاف نسل‌هاست. شکی نیست که با توجه به عمر انسان و مرگ‌ومیر نوع بشر، پیدایش نسل‌های مختلف امری طبیعی است، مانند وجود نسل جوان و یا نسل بزرگسال و پیران در هر جامعه که شامل عده‌ای از افراد آن جامعه می‌شود. ترکیب جمعیتی یک جامعه و پیامدهای آن مانند شکاف‌های نسلی می‌تواند تأثیر مهمی بر سپهر سیاسی جامعه بگذارد. مانند پیری جمعیت در کشورهای صنعتی، که این کشورها را دچار مشکل کرده و یا جوانی جمعیت در کشورهای در حال توسعه که نظام سیاسی‌شان را به چالش کشیده است. افزایش جمعیت جوان جامعه و شکاف نسلی می‌تواند به عنوان یک منبع تهدید و یا منبع فرصت نگریده شده شود.

شکاف‌های تصادفی به آن دسته از شکاف‌های اجتماعی گفته می‌شود که حاصل تصادفات تاریخی جوامع است. این نوع شکاف‌ها ممکن است در جامعه‌ای به وجود آید، اما

در جامعه‌ای دیگر پدیدار نگردد. جوامع در مرحله‌گذار معمولاً با شکاف‌های تصادفی مواجه می‌شوند. شکاف‌هایی مانند شکاف‌های قومی - چه در جوامع سنتی و چه در جوامع در حال گذار و مدرن - شکاف‌های فرهنگی و زبانی، شکاف‌های مذهبی، شکاف مرکز و پیرامون، و... از جمله شکاف‌های تصادفی هستند که در همه جوامع یافت نمی‌شود. این شکاف‌ها ممکن است منشأ تاریخی، جغرافیایی و یا ریشه در تحولات اجتماعی خاص داشته باشند (بشیریه، ۱۳۸۶).

صاحب‌نظران جامعه‌شناسی سیاسی، همچنین شکاف‌های اجتماعی را از حیث فعال یا غیر فعال بودن به سه دسته تقسیم می‌کنند. شکاف‌های فعال، نیمه فعال و غیر فعال. شکاف‌های فعال، آن دسته از شکاف‌های اجتماعی هستند که نیروهای سیاسی بر محور آن تجهیز یا بسیج می‌شوند. شکاف‌های نیمه فعال شکاف‌هایی هستند که در یک مقطع زمانی خاص فعال و در مقاطع دیگر غیر فعال می‌باشند. منظور از شکاف‌های خفته یا غیر فعال هم آن دسته از شکاف‌های اجتماعی است که واجد پتانسیل‌هایی برای بسیج سیاسی هستند، اما در حال حاضر نیروهای سیاسی بر محور آنها تجهیز نشده‌اند (بشیریه، ۱۳۸۲، ص ۱۰۳).

بسته به نوع شکاف، یعنی اینکه شکاف فعال باشد یا غیر فعال، و یا شکاف متراکم باشد یا متقاطع، آثار و نتایج هم متفاوت خواهد بود. به نظر می‌رسد شکاف‌های متراکم، اثر و نتیجه منفی در پی دارند و شکاف‌های متقاطع، اثر و نتیجه مثبت. میزان و شدت و حدت اثر و نتیجه هم به فعال یا غیرفعال بودن شکاف بستگی دارد. آنچه در این مطالعه دارای اهمیت اساسی است آثار و نتایج منفی جامعه‌شناختی می‌باشد. به عبارت دیگر، اهمیت شکاف‌های اجتماعی بیشتر معطوف به آثار و نتایج منفی جامعه‌شناختی است. البته نباید فراموش کرد که مهم‌ترین اثر و نتیجه مثبت شکاف اجتماعی متقاطع در جامعه این است که بین افراد یک جامعه ایجاد رقابت می‌کند و این رقابت هم می‌تواند منجر به شایسته‌سالاری در جامعه شود. یعنی رسیدن افراد را به رأس هرم منابع کمیاب بر اساس رقابت تنظیم نماید و این رقابت هم به نوبه خود می‌تواند شایسته‌سالاری را در جامعه تقویت کند. اما به لحاظ جامعه‌شناختی شکاف اجتماعی آثار و نتایج منفی زیادی نیز دارند؛ چراکه منشأ تیره‌بختی بسیاری از مردم می‌شوند. این مردم در مبارزه برای موفقیت، بازنده و سرانجام وابسته، بی‌قدرت، یا استثمار می‌شوند. زندگی آنها بدون امید است و اغلب برای بقا و زنده ماندن

مبارزه می‌کنند. در مجموع می‌توان گفت شکاف‌های اجتماعی با گسترش فقر، افزایش جرم و جنایت، تن دادن به مشاغل بد، استثمار و از بین رفتن ارزش نفس با تیره‌بختی مردم پیوند دارد.

جان کلام در مورد شکاف‌های اجتماعی اینکه سه منبع کمیاب در جامعه وجود دارد: قدرت، ثروت و منزلت و هر جا شکافی و منازعه‌ای در جامعه پدید می‌آید، به دلیل توزیع ناعادلانه این سه منبع کمیاب است. این سه منبع ممکن است به صورت عادلانه یعنی بر مبنای شایسته‌سالاری و یا به صورت غیرعادلانه یعنی بر مبنای تقرب توزیع شود. در هر دو صورت ممکن است شکاف‌هایی در جامعه به وجود بیاید. نکته مهم آن است که بین همه این شکاف‌های اجتماعی، شکافی فعال خواهد شد که مبنای آن توزیع منابع کمیاب بر اساس روش ناعادلانه‌ای (تقرب) صورت گرفته باشد و شکافی غیر فعال خواهد بود که توزیع منابع کمیاب بر اساس روش عادلانه (شایستگی) صورت گرفته باشد. بنابر این اگر نظامی این سه منبع کمیاب، یعنی قدرت، ثروت و منزلت را به صورت عادلانه توزیع کند، شکاف‌های فعال در جامعه پدید نخواهد آمد. مراد از توزیع عادلانه این است که قدرت را به وسیله ابزارها و سازوکارهای دموکراتیک توزیع کند، ثروت را به نحوی توزیع کند که به رفاه عموم افراد جامعه باشد و منزلت را بر اساس اصل شایستگی توزیع کند؛ در غیر این صورت باید منتظر شکاف‌های فعال در جامعه باشیم.

۱-۲. دوستی در فلسفه سیاسی

دوستی یکی از مفاهیم مشترک در فلسفه و اندیشه سیاسی اسلام و غرب است. افلاطون از جمله فیلسوفانی است که به این مفهوم پرداخته و بین عشق و دوستی در نظام مثلی رابطه برقرار کرده است. از نظر افلاطون، دوستی در دنیای واقعی در مرتبه‌ای ناقص‌تر از ایده دوستی قرار دارد. برخلاف افلاطون، ارسطو برای موضوع دوستی اهمیت زیادی قائل شده و بر این عقیده است که دوستی و محبت در زندگی از سه منبع لذت، خیر و فایده پدید می‌آید. او دوستی ناشی از لذت یا فایده را دوستی کاذب می‌نامد و اصیل‌ترین نوع دوستی را دوستی مبتنی بر خیر می‌داند و به این عقیده است که در دوستی مبتنی بر خیر، خیر دوستان به خاطر خود آنها خواسته می‌شود (منوچهری، ۱۳۸۴).

در فلسفه سیاسی اسلامی نیز دوستی جایگاه قابل توجهی داشته و متفکرانی چون فارابی، ابن مسکویه و خواجه نصیر به این موضوع پرداخته‌اند. فارابی، همانند ارسطو، انسان را بالطبع موجودی مدنی می‌داند و معتقد است که انسان "طبیعتاً به انسان‌های دیگر وابسته است". نیاز انسان‌ها به حضور در اجتماع، از نیاز آنها به رسیدن به کمال ناشی می‌شود؛ چرا که ممکن نیست انسان به کمالی که در سرشت طبیعی او قرار داده شده است برسد، مگر در زندگی اجتماعی. آنچه اعضای مدینه و مراتب آنها را با یکدیگر پیوند می‌دهد، "محبت" است، در حالی که "عدالت" و روابط عدالت‌محور، ضامن بقا و عامل حفاظت از مدینه و اعضای آن است، محبت، عامل ائتلاف و ارتباط اعضای مدینه است. در واقع "عدل، تابع محبت است". محبت میان اعضای مدینه، اساساً منتج از اشتراک نظر اهل مدینه در "آرا و افعال" است. علی‌رغم توجه متفکران کلاسیک غرب به مفهوم دوستی، در عصر مدرن به دلیل حاکمیت اندیشه لیبرالیسم و تأکید بر فردیت انسان و به‌ویژه توجه به امنیت به جای فضیلت، دوستی به حاشیه رانده شد. اما بازگشت متفکرانی چون نیچه به این هنجار، زمینه را برای مطرح شدن دوباره آن فراهم ساخت. در این میان ژاک دریدا و یورگن هابرماس دو متفکری هستند که به دو شیوه متفاوت به احیای این مقوله در دنیای معاصر پرداخته‌اند. دریدا با نگرش بدبینانه، به واسازی روایت‌های دوستی در تاریخ اندیشه سیاسی می‌پردازد و آنها را مورد نقد بی‌رحمانه خویش قرار می‌دهد، اما هابرماس با ابتناء بر مقوله همبستگی، بدیلی معاصر برای هنجار دوستی عرضه می‌کند. هنجاری که همزمان توجه به حقوق خصوصی و عمومی را در خویش دارد (علوی‌پور و بحرانی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۷). در واقع همبستگی، نقطه پیوند فلسفه اجتماعی و فلسفه سیاسی هابرماس است. به نظر وی، در نظام‌های اجتماعی غیرارتباطی، پول و قدرت اجرایی (مدیریتی) سازوکارهای سیستماتیک همگرایی اجتماعی هستند که کنش‌ها را نه از طریق مقاصد مشارکت‌کنندگان، بلکه به‌طور مخفی از آنها و از طریق نهادهای قانونی هدایت می‌کنند. اما در یک نظام ارتباطی، همبستگی در کنار دو حوزه اقتصاد و دولت قرار می‌گیرد و چونان منبع سومی برای قانون‌گذاری عمل می‌کند. همبستگی همانا اشتراک اساسی (اولیه) ارزش‌ها و دیدگاه‌ها و یک فهم و تعبیر مشابه در این باب است که چه چیزی مهم است و چه کاری ارزش انجام دادن دارد. از طریق همبستگی، قدرت ارتباطی از مسیر قانون‌گذاری به قدرت اجرایی تبدیل

می‌شود. وی مفهوم همبستگی را به‌عنوان آن نوع رابطه‌ای هم با وجه قانون عام به‌عنوان مبنای عدالت یعنی برخورد یکسان با همگان و هم با وجه توجه خاص به موارد عینی و مصداقی "دیگری" در نظر می‌گیرد (منوچهری، ۱۳۸۳). پیوند دوستی و همبستگی در اندیشه هابرماس، علاوه بر برقراری نظام و آرامش اجتماعی مطلوب برای حیات انسان‌ها، زمینه‌های زندگی نیک و حرکت در مسیر تعالی و دستیابی به غایت زندگی مطلوب را که همان خیر و سعادت است، فراهم می‌آورد. مضاف بر این درک رابطه احیای مفهوم دوستی در دوره معاصر با معرفت‌های علمی پیش از آن مانند دانش روان‌درمانی بسیار با اهمیت است (علوی‌پور، ۸-۱۳۸۷، ص ۱۴۷) تأثیراندیشه‌پردازی متفکرانی چون اریک فرم و هانا آرنه که وقوع فاشیسم در اروپا را بر مبنای نظریات روان‌شناسانه و توده‌ای تحلیل کرده‌اند، بر احیای مفهوم دوستی و پیوند آن با همبستگی توسط هابرماس از این نکته ظریف حکایت می‌کند که در جوامع دستخوش تحول و دگرگونی به‌ویژه جوامع در حال گذار، توجه به مقوله دوستی و پیوند آن با مفهوم همبستگی بسیار ضروری است.

۱-۳. وحدت و همبستگی ملی

«همبستگی» یا «انسجام» ملی مانند بسیاری از مفاهیم رایج در علوم انسانی، ماهیتی پیچیده، چندوجهی و میان‌رشته‌ای دارد. چنان که دامنه بررسی آن از جامعه‌شناسی و علوم سیاسی تا مطالعات فرهنگی و روان‌شناسی اجتماعی گسترده است. عدم استقلال مفهومی «همبستگی ملی» یا «انسجام ملی» در نزد برخی نویسندگان تا به آنجاست که معنایی آن را تنها در رابطه تنگاتنگ با پاره‌ای مفاهیم همچون وفاق ملی، انسجام اجتماعی، هویت ملی، اجماع ارزشی توصیف کرده‌اند.

کسانی که از دیدگاه جامعه‌شناختی به همبستگی ملی پرداخته‌اند، انسجام و پیوستگی ملی را کامل‌ترین و توسعه‌یافته‌ترین مرحله پیوند اجزای مختلف یک جامعه دانسته‌اند. این جامعه‌شناسان، سه فرایند عمومی و مرتبط با یکدیگر برای جامعه قائل هستند: فرایند تجمیع، فرایند تفکیک یا تمایز‌یافتگی و فرایند پیوستگی یا انسجام. آنان معتقدند افراد یا کنشگران اجتماعی بر اثر متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی در کنار هم قرار گرفته و یک تجمع انسانی را شکل می‌دهند، اما در این میان، نیروهای مادی و معنوی و سیل قدرت‌طلبی انسان‌ها و رقابت و تخصصی شدن امور و فعالیت‌ها بین افراد

یک جامعه تمایز به وجود می‌آورد و افراد به گروه‌ها و اقشار مختلفی با دامنه‌های خانوادگی، جنسی، شغلی، قومی و نژادی تقسیم می‌شوند. این گروه با اعمال سلطه بر رفتار افراد درون گروه، آنها را مقید به رفتاری خاص و پیروی از هنجار معینی می‌کنند. در واقع پیدایش گروه‌ها سبب پیدایش نظام نمادین خاصی می‌شود که در بردارنده تمامی ارزش‌ها، هنجارها، سبک رفتار، نحوه زندگی و ارتباطات است. افزایش گروه‌ها به سبب تمایز یافتگی و تکثر نظام اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، سبب شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌های زیادی می‌شود و تبعات پیدایش خرده‌فرهنگ‌ها، ما را به اهمیت وحدت یا همبستگی میان گروه‌ها متوجه می‌سازد. به این جهت مسئله‌ای به نام وفاق یا همبستگی مطرح می‌شود که پیونددهنده میان واحدهای اجتماعی متمایز است (افروغ، ۱۳۸۳، ص ۱۵۶).

برخی دیگر از صاحب‌نظران، همبستگی ملی را با توجه به هویت تعریف می‌کنند و آن را احساس تعلق خاطر و تعهد مشترک افراد به اجتماع ملی یا آن «ما»ی بزرگی می‌دانند که به افراد هویت جمعی می‌بخشد. از نظر این دسته از متفکران، دستیابی به انسجام یا همبستگی ملی بدون وجود شرایط ذهنی و عینی مولد آن امکان‌پذیر نیست. وجود بنیادهای اتحاد ملی نیز بدون دخالت عنصر آگاهی‌بخش، به خودی خود باعث شکل‌گیری و تبلور عینی اتحاد نمی‌شود. در حقیقت این عنصر آگاهی‌بخش است که مجموعه شرایط عینی همبستگی ملی را به شکل هویت ملی در می‌آورد و زمینه‌های ذهنی اتحاد و انسجام ملی را فراهم می‌سازد. به این ترتیب، تحقق همبستگی ملی و تجلی آن، به آگاهی از هویت ملی و شناخت آن بستگی دارد (احمدی، ۱۳۸۶، ص ۲۴).

هر چند در خصوص مبانی همبستگی ملی بین اصحاب و عالمان رشته‌های مختلف اختلاف نظرهایی وجود دارد، اما در مورد ابعاد وحدت و همبستگی ملی اجماع نظر نسبی قابل مشاهده است، اگر چه نمی‌توان انکار کرد که هر یک از این صاحب‌نظران به تناسب رشته خود بر یک یا چند بعد خاص از ابعاد وحدت ملی تأکید می‌کنند. با توجه به پیوند مفهومی هویت ملی و وحدت ملی، در این مقاله مفهوم «هویت ملی» به عنوان حلقه واسطه تحلیل رابطه شکاف‌های اجتماعی و همبستگی ملی در نظر گرفته شد. انتخاب این رویکرد نظری مبتنی بر این تجربه تاریخی است که در جوامع در حال نوسازی که در حال تجربه فرآیند تغییرات اجتماعی هستند، شکاف‌های اجتماعی غالباً فرآیند نوسازی را به چالش

می‌کشند و برای حل و رفع بحران‌های حاصل از این گسیختگی‌ها در سطح اجتماعات ملی باید به ابزارهایی برای برانگیختن حس همبستگی ملی تجهیز شد. در چنین شرایطی «هویت ملی» با بهره‌گیری از توانایی‌های نمادین مانند زبان، دین، گذشته تاریخی و منافع مشترک می‌تواند به وفاق و همبستگی ملی یاری رساند. بر همین اساس ابعاد دینی، سرزمینی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی همبستگی ملی مد نظر قرار می‌گیرد تا از منظری آسیب‌شناسانه تأثیر شکاف‌های اجتماعی بر وحدت ملی تبیین گردد:

الف) بعد دینی. دینداری در ابعاد مختلف اعتقادی، مناسکی، رفتاری و پیامدی و نیز هویت دینی (خود را دیندار دانستن)؛

ب) بعد سرزمینی. افتخار به ایرانی بودن، تمایل به حضور داوطلبانه در جبهه در صورت وقوع یک جنگ ناخواسته، تمایل به مهاجرت از ایران برای همیشه و در نهایت تعصب ایرانی؛

پ) بعد اجتماعی. احساس وجود عدالت اجتماعی در جامعه، احساس وجود اعتماد اجتماعی در جامعه (اعتماد عمومی و اعتماد به مشاغل مختلف) و در نهایت مشارکت عمومی مردم در انجمن‌ها و تشکل‌های صنفی، مدنی و سیاسی؛

ت) بعد سیاسی. میزان اعتماد مردم به اصل نظام، نهادهای سیاسی و کنش‌گران و مسئولین نظام، احساس پاسخ‌گویی مسئولین، احساس امنیت سیاسی شهروندان، ارزیابی عملکرد اقتصادی نظام؛

ث) بعد فرهنگی. تاریخ مشترک، زبان فارسی و عملکرد رسانه‌ها.

۲. روش پژوهش

در این بررسی برای دستیابی به داده‌های قابل اتکا جهت آسیب‌شناسی شکاف‌های اجتماعی در ایران و تأثیر آن بر همبستگی اجتماعی و وحدت ملی از روش تحلیل ثانویه یافته‌های پژوهشی استفاده شده است. تحلیل ثانویه یکی از کارآمدترین روش‌ها در سیاست‌پژوهی است که از اطلاعات موجود استفاده می‌کند. در این روش، پژوهشگر خود به تولید داده‌های مورد نیاز پژوهش از طریق روش‌هایی مانند پرسش‌نامه و مصاحبه و... نمی‌پردازد، بلکه به تحلیل مجدد داده‌های موجود اقدام می‌کند. تحلیل ثانویه هنگامی استفاده می‌شود که مجموعه داده‌های مناسبی وجود دارد و پژوهشگر کیفیت آنها را قابل قبول می‌داند. تحلیل

مجدد داده‌ها بر حسب اقتضای پژوهش و نوع داده‌ها با روش‌ها و تکنیک‌های متعددی انجام می‌شود. به عنوان نمونه، دامنه اعمال آماری که می‌توان با استفاده از تحلیل ثانویه انجام داد، از ارزیابی روابط دو متغیره ساده تا مدل‌سازی‌های پیچیده متغیر است (ماژرزاک، ۱۳۷۹، ص ۶۶). در واقع، این پژوهشگر است که بسته به پرسش پژوهش، ساختار تحلیل ثانویه و مراحل آن را تعریف و اعمال می‌کند. در مطالعه حاضر، از نتایج به دست آمده از چند پیمایش ملی و مقالات مستخرج از چند پایان‌نامه و طرح پژوهشی در تحلیل ثانویه استفاده شده و در راستای هدف مقاله تجزیه و تحلیل شده است. با توجه به اینکه بعضی داده‌های موجود در این پژوهش‌ها برای دستیابی به تحلیل‌های بهتر و متقن‌تر با یکدیگر تلفیق و ادغام شده‌اند، ارجاع دقیق و جزئی به منابع مورد استفاده امکان‌پذیر نبوده است؛ به همین دلیل فهرست پژوهش‌های استفاده‌شده در این مقاله برای اطلاع خواننده به صورت یکجا در پایان مقاله آمده است. همچنین به دلیل ظرفیت محدود یک مقاله و تعداد بسیار زیاد جداول آماری مندرج در طرح پژوهشی که این مقاله از آن استخراج شده، امکان استناد جزئیات آماری ممکن نگردیده و در موارد معدودی از جداول آماری در خلال متن استفاده شده است.

۳. آسیب‌شناسی شکاف‌های اجتماعی و تأثیر آن بر همبستگی ملی

از بین شکاف‌های اجتماعی موجود در جامعه ایران در شکاف ساختاری، نسلی و جنسیتی و در شکاف تصادفی، قومی و مذهبی برای بررسی انتخاب شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد در طول یک دهه گذشته، این چهار شکاف اجتماعی دارای اهمیت زیادی در ایران بوده‌اند. باید توجه داشت اهمیت آنها الزاماً به معنای فعال بودن نیست.

- شکاف نسلی. با توجه به جوانی جمعیت در ایران؛

- شکاف جنسیتی. با توجه به افزایش سطح آگاهی‌ها و حضور روبه رشد زنان در

عرصه‌های سیاسی و اجتماعی کشور؛

- **شکاف قومی.** ایران واجد ۶ هویت عمده قومی فارس، ترک، کرد، لر، بلوچ و عرب است. هرچند برخی هویت‌های قومی کوچک‌تری چون قشقایی، ترکمن، بختیاری را نیز برشمرده‌اند.

- **شکاف مذهبی.** با توجه به وجود هموطنان اهل سنت در مناطق کشور.

۳-۱. شکاف نسلی

در خصوص اطلاق یا عدم اطلاق صفت «شکاف» به مناسبات نسلی در ایران و نیز فعال یا خفته دانستن این شکاف اجتماعی، بین صاحب‌نظران و پژوهشگران این حوزه اختلاف‌نظر جدی وجود دارد. این نظرات شامل طیفی از قائلین به انقطاع کامل نسلی تا ردکنندگان وجود شکاف نسلی در ایران می‌باشد. بخشی از این اختلاف‌نظرها به یافته‌های میدانی متفاوت و برخی دیگر به تفاوت رویکردها و روش‌ها در تحلیل باز می‌گردد. به عبارت دیگر نوعی اغتشاش مفهومی و عملیاتی در تعیین معیارهای تشخیص شکاف نسلی در پژوهش‌ها وجود دارد. بر همین اساس، برخی اندیشمندان و پژوهشگران اختلاف ۶ درصدی میانگین نمرات دو نسل را به عنوان «شکاف گسترده و عمیق» دانسته‌اند؛ در حالی که برخی دیگر، اختلاف بیشتر از آن را به عنوان «تفاوت‌های طبیعی» میان نسل‌های مختلف ذکر کرده‌اند (چیت‌ساز، ۱۳۸۶، ص ۱۰۳). همچنین تلقی پژوهشگران از مفهوم «نسل» و پیدا کردن مصادیق عینی آن در ایران از دیگر دلایل اختلاف نظر در تحلیل‌های این حوزه می‌باشد. در مجموع، نظریه‌هایی را که در مورد مناسبات نسلی در ایران وجود دارد، می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

دسته اول، کسانی که از «انقطاع نسلی» سخن به میان آورده‌اند و با ارجاع شکاف نسلی به مدرنیته، شکاف بین سنت و مدرنیته، انقلاب اسلامی و ناکارآمدی حکومت را سه عامل اصلی شکاف فرهنگی و انقطاع نسلی در ایران دانسته‌اند (قادری، ۱۳۸۲، صص ۸۱-۸۲). با ریشه‌یابی شکاف نسلی در مواجهه ایران با مدرنیته، جامعه در معرض یک انقطاع نسلی ارزیابی شده است (آقاجری، ۱۳۸۲، ص ۱۶۱). با ارجاع تاریخی شکاف نسلی به قبل از انقلاب، تحولات انقلابی و تغییرات تند و ناگهانی را باعث گسستگی و انقطاع بین نسلی دانسته شده است (توسلی، ۱۳۸۲، ص ۲۴۳).

دسته دوم، کسانی که قائل به «شکاف نسلی» در کشور هستند. با اشاره به رشد جمعیت جوان کشور و تغییرات فرهنگی، اذعان داشته‌اند جامعه ایران دچار شکاف‌های نسلی شده است، نه انقطاع نسلی (عبدالهیان، ۱۳۸۲، ص ۲۵۸). در تحقیقی نیز با بررسی ارزش‌های پدران و پسران به این نتیجه رسیده‌اند که شکاف نسلی به عنوان یک پدیده عام در جامعه وجود داشته است (تیموری، ۱۳۷۷، ص ۶۳).

دسته سوم، پژوهشگرانی که قائل به عدم وجود شکاف نسلی در کشور هستند. جلیلی در پژوهش خود به این نتیجه می‌رسد که اساساً شکاف میان نسل‌ها در ایران وجود ندارد، آنچه هست اختلافات ناچیزی است که به طور طبیعی در تمامی جوامع وجود دارد (جلیلی، ۱۳۷۸، ص ۷۱). توکلی نیز با بررسی ارزش‌های جمعی از مادران و دختران به این نتیجه می‌رسد که تفاوت‌های مشاهده‌شده قابل توجه و معنادار نیست (توکلی، ۱۳۸۲، ص ۳۷۶) همچنین زهرا داریاپور با بررسی رابطه ساختار ارزشی و مناسبات نسلی به این نتیجه رسیده که تفاوت‌های ارزشی موجود بین جوانان و بزرگسالان در حدی نیست که بتوان از آن به‌عنوان گسست نسلی نام برد. بین بزرگسالان و جوانان در لایه‌های درونی شخصیت، تفاوت‌های ماهوی وجود ندارد و تنها در لایه‌های بیرونی یا پیروی از هنجارها مانند گرایش به نوگرایی و مد است که تفاوت وجود دارد (داریاپور، ۱۳۸۶، ص ۲۰).

بررسی‌های این پژوهش نشان می‌دهد علی‌رغم وجود برخی تفاوت‌ها بین نسل جوان و بزرگسال کشور از نظر ارزشی، نگرشی، فرهنگی، فکری و رفتاری، شکاف نسلی به عنوان یک شکاف فعال اجتماعی در کشور وجود ندارد. همچنین یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد ابعاد مختلف وحدت و همبستگی ملی از ناحیه این شکاف اجتماعی در معرض آسیب یا تهدید جدی قرار ندارد. در ادامه به بخش‌هایی از نتایج و یافته‌های پژوهشی اشاره می‌شود:

بعد دینی. بین نگرش جوانان (۳۴-۱۵ سال) با میانسالان (۵۰-۳۵ سال) و بزرگسالان (بالای ۵۰ سال) در ابعاد اعتقادی و تجربی دینداری، تفاوت قابل ملاحظه‌ای وجود نداشته است (حداکثر یکی دو درصد).

بین نگرش جوانان با میان‌سالان و بزرگ‌سالان در بعد مناسکی و پیامدی دینداری و نیز احساس هویت دینی تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد، اما این تفاوت‌ها زیاد و معنادار نبوده است (در بعد مناسکی ۴ درصد و بعد پیامدی ۶ درصد).

بعد سرزمینی. در تمامی شاخص‌های مورد مطالعه بعد سرزمینی همبستگی ملی تقریباً در قریب به اتفاق پژوهش‌ها بین نگرش جوانان با میان‌سالان و بزرگ‌سالان تفاوت معناداری وجود نداشته است (حدود ۶ درصد).

بعد اجتماعی. یافته‌های پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد احساس وجود عدالت اجتماعی در جامعه ایران پایین بوده (زیر ۵۰ درصد) اما بین نگرش جوانان با میان‌سالان و بزرگ‌سالان در این خصوص تفاوت معناداری وجود ندارد (تفاوت نگرش‌ها بین ۱ تا ۹ درصد).

سطح اعتماد اجتماعی در جامعه ایرانی به طور کلی پایین است، اما سطح بی‌اعتمادی عمومی در میان جوانان در مقایسه با بزرگ‌سالان و میان‌سالان بیشتر بوده است (۵ الی ۶ درصد) نکته قابل توجه اینکه اعتماد جوانان به اخبار رسانه‌های اینترنتی و ماهواره‌ای از رسانه ملی بیشتر بوده است (۵۳ به ۴۴ درصد).

میزان مشارکت عمومی افراد در قالب تشکلهای و نهادهای سیاسی و مدنی در مجموع ۲۰ تا ۳۰ درصد است که دو سر طیف این مشارکت از حداقل ۳ درصد (مشارکت در احزاب و تشکلهای سیاسی) تا ۳۸ درصد (مشارکت در هیئت‌های مذهبی) در نوسان است. اما فارغ از برخی تفاوت‌های طبیعی که عضویت و مشارکت جوانان و بزرگ‌سالان را در تشکلهای و نهادهای خاصی بیشتر یا کمتر می‌کند (مانند عضویت و مشارکت جوانان در انجمن‌های علمی و تشکلهای ورزشی و عضویت و مشارکت بزرگ‌سالان در انجمن‌های اولیاء و مربیان) بین میزان مشارکت جوانان با میان‌سالان و بزرگ‌سالان تفاوت زیاد و معناداری وجود ندارد.

بعد سیاسی. براساس نتایج، بیشتر پیمایش‌های اجتماعی در سطح کلان، نگرش مردم به «مشروعیت اصل نظام» مثبت است، اما میزان کارآمدی دولت در بخش‌های اقتصادی و سیاسی چندان مطلوب نظر مردم نیست. براساس نتایج به دست آمده، میزان نارضایتی از اوضاع سیاسی کشور و طرفداری از تغییرات در نظام سیاسی موجود در بین جوانان به مراتب از میان‌سالان و بزرگ‌سالان بیشتر بوده است.

بعد فرهنگی: نگرش عموم جامعه به ابعاد فرهنگی وحدت و همبستگی ملی مثبت و رضایت‌بخش است (موافقت بالای ۹۰ درصد پاسخگویان به گویه‌های مربوط به زبان فارسی و تاریخ مشترک ایرانیان) و بین نگرش جوانان با میان‌سالان و بزرگسالان در این زمینه تفاوت چشمگیر و معناداری به چشم نمی‌خورد.

با وجود گسترش سایت‌های اینترنتی و دسترسی به شبکه‌های ماهواره‌ای و نیز علی‌رغم اینکه جوانان یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین مخاطبان و کاربران این رسانه‌ها هستند، تأثیرگذاری این رسانه‌ها بر ذهن و نگرش جوانان به ابعاد و مؤلفه‌های مختلف وحدت و همبستگی ملی چندان زیاد و قابل توجه نیست.

۲-۳. شکاف جنسیتی

در تحلیل وضعیت شکاف جنسیتی در ایران، شاخص‌های معطوف به وضعیت زنان در جامعه (مانند وضعیت بهداشت و درمان، آموزش، مشارکت سیاسی، اشتغال و...) مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد طی دو دهه اخیر، وضعیت زنان ایرانی در ابعاد مختلف زندگی بهبود قابل توجهی یافته است، اما در برخی زمینه‌ها همچنان نابرابری‌هایی به چشم می‌خورد. همچنین نوعی «احساس تبعیض» در میان زنان ایرانی وجود دارد که در کنار نابرابری‌های واقعی زمینه‌ساز برخی تعارضات جنسیتی در کشور شده است. بررسی‌های این پژوهش نشان می‌دهد شکاف جنسیتی نیز شکاف فعالی در جامعه ایرانی نیست، اما زنان ایرانی بر این باورند که بهره‌مندی ایشان از حقوق شهروندی در حد مطلوبی نیست و برخورداری ایشان از حقوق شهروندی از حد متوسط جامعه پایین‌تر است، لذا می‌توان گفت تعارضات جنسیتی که در جامعه ایرانی مشاهده می‌شود، ریشه در احساس محرومیت زنان از برخی حقوق شهروندی دارد. بر طبق یافته‌های این پژوهش، ابعاد مختلف وحدت و همبستگی ملی از ناحیه این شکاف اجتماعی در معرض آسیب یا تهدید جدی قرار ندارد. در ادامه به برخی از جزئیات یافته‌های پژوهشی اشاره می‌شود.

بعد دینی. یافته‌ها نشان می‌دهد بین نگرش زنان و مردان در خصوص ابعاد مختلف دینداری (اعتقادی، تجربی، مناسکی و پیامدی) تفاوت معناداری وجود ندارد و در مواردی که تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد، نگرش زنان به دین از مردان مثبت‌تر بوده است. بنابراین

می‌توان نتیجه گرفت پایه دینی وحدت ملی در میان زنان از استحکام کافی برخوردار است و مشکلی در این زمینه به چشم نمی‌خورد.

بعد سرزمینی. نگرش زنان به بعد سرزمینی همبستگی ملی در حد مطلوبی است و بین نگرش زنان و مردان در این خصوص تفاوت معناداری ملاحظه نمی‌شود.

بعد اجتماعی. بین نگرش زنان و مردان در خصوص احساس وجود عدالت اجتماعی در کشور تفاوت معناداری به چشم نمی‌خورد؛ هرچند در کل، نگرش جامعه به این موضوع چندان مثبت نیست.

نگرش زنان به وجود اعتماد عمومی در جامعه و قابل اعتماد بودن مردم به مراتب از مردان منفی‌تر است و این موضوع از احساس ناامنی و بی‌اعتمادی زنان به فضای اجتماعی و اخلاقی جامعه حکایت می‌کند.

نگاره شماره (۱) - نگرش پاسخگویان به میزان قابل اعتماد بودن مردم

میزان	مرد	زن	جوان	میان‌سال	بزرگ‌سال
کم	۲۴	۳۳	۳۱	۲۶	۲۵
متوسط	۵۸	۵۶	۵۸	۵۷	۵۳
زیاد	۱۸	۱۱	۱۱	۱۷	۲۲

(ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۳۸۲، ص ۲۶۳)

میزان مشارکت زنان در تشکلهای و نهادهای مدنی و صنفی و سیاسی به مراتب از مردان کمتر بوده است (۱۳ درصد در میان زنان به ۲۰ درصد در میان مردان).
بعد سیاسی. بین نگرش زنان و مردان به شاخص‌های مختلف بعد سیاسی همبستگی ملی تفاوت معناداری وجود ندارد.
بعد فرهنگی. نگرش زنان و مردان در شاخص‌های مختلف بعد فرهنگی همبستگی ملی دارای تفاوت معناداری نیست.

۳-۳. شکاف قومی

تحلیل ثانویه یافته‌های پژوهش‌ها و مطالعات قومی در ایران نشان می‌دهد بین هویت قومی و هویت ملی در ایران تعارض وجود ندارد و به جز در موارد خاصی در تمامی بخش‌های قومی کشور با افزایش میزان و شدت هویت قومی، هویت ملی نیز افزایش یافته یا حداقل کاهش نیافته است. به عبارت دیگر یافته‌های بیشتر پژوهش‌ها نشان می‌دهد هویت قومی و ملی در موارد زیادی رابطه «هم‌افزا» دارند. بین اقوام مختلف ایرانی (ترک، کرد، لر، عرب، فارس، بلوچ و...) نیز روابط مبتنی بر همکاری بر روابط مبتنی بر تعارض و خصومت کاملاً چیرگی دارد و این امر در شکل‌گیری و تقویت هویت ملی تأثیر مثبت و به‌سزایی داشته است. همچنین بررسی‌های این پژوهش نشان می‌دهد اقوام ایرانی نسبت به مقولات محوری کشور تفاوت نگرشی زیادی ندارند؛ به همین دلیل می‌توان ادعا کرد شکاف قومی نیز مانند شکاف نسلی و جنسیتی شکاف اجتماعی فعالی در کشور نیست و اگر گاهی تعارضات قومی در جامعه مشاهده می‌شود، ریشه در «احساس محرومیت نسبی» اقوام ایرانی در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دارد. با توجه به حساسیت مضاعف شکاف قومی در رابطه با دوستی و همبستگی ملی، یافته‌های این بخش به تفصیل بیشتری مورد اشاره قرار می‌گیرد.

بعد دینی. اقوام مختلف ایرانی در بعد اعتقادی دینداری تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند اما یافته‌ها نشان می‌دهد در ابعاد مناسکی و پیامدی میزان پایبندی فارس‌ها به انجام واجبات از نظر دینی از آذری‌ها و عرب‌ها بیشتر بوده است. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد اقوام مختلف ایرانی خود را دارای هویت دینی می‌دانند، اما هویت دینی در میان فارس‌ها و آذری‌ها از عرب‌ها بیشتر است.

نگاره شماره (۲) - میزان موافقت با گویه‌های دینی (درصد)

شکاف مذهبی	شکاف قومی			شکاف جنسیتی		شکاف نسلی			گویه‌ها		
	سنی	شیعه	فارس	عرب	آذری	زن	مرد	بزرگسال		میانسال	جوان
۸۸	۸۸	۹۲	۸۵	۸۵	۹۰	۸۶	۹۰	۹۰	۸۹	۸۶	دین و ایمان یکی از بهترین راه‌های غلبه بر مشکلات است
۹۷	۹۶	۹۷	۹۶	۹۵	۹۷	۹۵	۹۷	۹۷	۹۶	۹۵	اعمال خوب و بد انسان روز جزا محاسبه می‌شود
۶۵	۹۰	۹۵	۷۸	۸۰	۸۶	۷۵	۹۱	۹۱	۸۶	۷۵	انجام واجبات دینی (نماز و روزه) به صورت همیشگی یا اکثر اوقات
۹۴	۸۷	۹۴	۸۸	۹۴	۹۱	۸۸	۹۵	۹۵	۹۲	۸۷	چقدر خود را فردی مذهبی می‌دانید (متوسط، زیاد، کم)

(ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (کل کشور)، ۱۳۸۱)

بعد سرزمینی. نگرش اقوام ایرانی به شاخص‌های بعد سرزمینی وحدت و همبستگی ملی تفاوت‌های قابل توجهی ندارد.

بعد اجتماعی. نگرش منفی به وجود عدالت اجتماعی در جامعه در میان اقوام ایرانی از میانگین جامعه بیشتر و بالاتر است. به عبارت دیگر اقوام ایرانی نسبت به وجود عدالت اجتماعی در کشور به مراتب نگاه منفی‌تر و ناخوشایندتری نسبت به کل جامعه دارند. نگرش اقوام ایرانی به عضویت در تشکل‌های سیاسی و نهادهای مدنی و صنفی و مشارکت در فعالیت‌های آنها به جز در چند مورد تفاوت معناداری با یکدیگر ندارد.

بعد سیاسی. احساس نارضایتی اقوام ایرانی نسبت به عملکرد سیاسی و اقتصادی دولت از میانگین جامعه بالاتر است که این امر در دامن‌زدن به تقویت هویت قومی و تضعیف هویت ملی تأثیرگذار بوده است.

بعد فرهنگی. نگرش اقوام ایرانی به تاریخ مشترک ایران عمدتاً مثبت است.

نگرش اقوام ایرانی به زبان فارسی به عنوان یکی از نمادها و عوامل همبستگی ملی مثبت است، اما این موضوع تا زمانی در میان اقوام ایرانی دارای جایگاه مستحکمی است که

تقویت زبان فارسی به حذف زبان‌های محلی و قومی منجر نشده باشد. بر طبق یافته‌ها به جز در موارد خاصی که به دلیل اتخاذ سیاست‌های غلط فرهنگی و نقض اصل مهم و اساسی «وحدت در عین کثرت» هویت ملی توسعه و تقویت زبان فارسی به تضعیف زبان‌های محلی و قومی منجر شده، زبان فارسی در میان اقوام ایرانی جایگاه خاص و برجسته‌ای داشته است. تأثیرگذاری رسانه‌های خارجی بر اقوام ایرانی در جهت تضعیف یا تقویت وحدت و همبستگی ملی در میان اقوام و موضوعات مختلف، متفاوت است.

۳-۴. شکاف مذهبی

تحلیل و تبیین شکاف مذهبی در کشور یکی از دشواری‌های انجام این مطالعه بود؛ چرا که در بیشتر تحقیقات اجتماعی و پیمایش‌های موجود، متغیر مذهب لحاظ نشده است. همچنین تراکم شکاف مذهبی و قومی در بخش‌های سنی‌نشین جامعه (کردستان، سیستان و بلوچستان، گلستان) امکان تفکیک داده‌های قومی و مذهبی را دشوارتر می‌کند. به همین دلیل با اتکاء به داده‌هایی که به صورت غیرمستقیم بر درک نگرش هم‌وطنان اهل سنت دلالت می‌کند، تلاش شد شکاف مذهبی در کشور تجزیه و تحلیل شود. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد شکاف مذهبی نیز شکاف اجتماعی فعالی در کشور نیست و نارضایتی هم‌وطنان اهل سنت عمدتاً معطوف به «محرومیت» یا «احساس محرومیت» این بخش از جامعه از حقوق سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می‌باشد. در نگرش هم‌وطنان اهل سنت به شاخص‌های معطوف به وحدت و همبستگی ملی مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

بعد دینی. بین نگرش هم‌وطنان اهل سنت با شیعیان در خصوص ابعاد مختلف دینداری و هویت دینی تفاوت زیادی وجود ندارد هرچند نتایج برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد در بعد مناسکی و رفتاری، میزان پایبندی شیعیان به انجام واجبات دینی از اهل تسنن بیشتر می‌باشد.

بعد اجتماعی. نگرش اهل تسنن به وجود عدالت اجتماعی در کشور به مراتب از سایر هم‌وطنان منفی‌تر است. یافته‌ها نشان می‌دهد هم‌وطنان اهل سنت از نظر بهره‌مندی از فرصت‌ها و امکانات اقتصادی نسبت به سایر بخش‌های جامعه در شرایط نامناسب‌تری قرار دارند. آمارهای منتشرشده از طرف دستگاه‌های رسمی دولت نیز نشان می‌دهد استان‌های

کردستان و سیستان و بلوچستان به عنوان نماد استان‌های سنی‌نشین کشور در مقایسه با سایر استان‌ها در رتبه‌های آخر سطح برخورداری قرار دارند. این احساس محرومیت و تبعیض اجتماعی ریشه بسیاری از ناامنی‌های این مناطق بوده و بدین ترتیب چرخه نامنی و فقر یکدیگر را تشدید کرده است. البته با اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها و پرداخت نقدی به مردم به صورت یکسان و برابر احساس محرومیت در میان هم‌وطنان اهل سنت نیز تا حدود زیادی کاهش یافته است.

بعد سیاسی. یافته‌ها نشان می‌دهد نگرش منفی اهل سنت به کارآمدی دولت در بخش‌های اقتصادی و سیاسی از میانگین جامعه به مراتب بالاتر است. بر اساس نتایج به دست آمده از تحقیقات، با وجود تعلق بالای اهل سنت به هویت ملی، نگرش ایشان به دولت و عملکرد اقتصادی و سیاسی آن چندان مثبت نیست.

بعد فرهنگی. با توجه به تراکم شکاف قومی و مذهبی در ایران، به نظر می‌رسد در بعد فرهنگی نگرش اهل سنت به شاخص‌های فرهنگی وحدت و همبستگی ملی با اقوام ایرانی شباهت زیادی دارد.

فرجام

با عنایت به یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت شکاف‌های اجتماعی در ایران شکاف‌های فعالی نیستند و بین دو سر طیف شکاف‌های نسلی، جنسیتی، قومی و مذهبی در بیشتر موضوعات کلان جامعه و نیز شاخص‌های معطوف به ابعاد مختلف همبستگی ملی اختلاف نظر جدی وجود ندارد، بنابراین پایه‌های اجتماعی الفت و دوستی جامعه از استحکام مناسبی برخوردار است. ادعان به این حقیقت به معنای انکار یا غفلت از زمینه‌های تهدیدزا برای ایجاد تخاصم و دشمنی در کشور و تضعیف همبستگی اجتماعی و ملی نیست. به طور مشخص در ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قرائن و شواهدی از زمینه‌های تهدیدزا به چشم می‌خورد که بی‌توجهی به آنها ممکن است خطرآفرین باشد. نارضایتی از عملکرد سیاسی دولت، مسئولین و نهادهای سیاسی وقت کشور، بی‌عدالتی و تبعیض اجتماعی، گسترش روزافزون بی‌اعتمادی در جامعه، نقدناپذیری مسئولین و عدم پاسخگویی شفاف و مسئولانه به مطالبات مردم، بی‌توجهی به اجرای برخی از اصول قانون اساسی به‌ویژه اصولی که به صراحت حقوق فرهنگی و اجتماعی برای مردم به‌ویژه اقلیت‌های مذهبی و اقوام ایرانی

در نظر گرفته، بخشی از مواردی است که ممکن است به تضعیف الفت و دوستی مردم با یکدیگر، تشدید تخاصم اجتماعی و ایجاد زمینه‌های واگرایی سیاسی در کشور منجر شود. همچنین یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد هرچند شکاف‌های نسلی، جنسیتی، قومی و مذهبی شکاف‌های فعالی در کشور نیستند، اما باید نسبت به پیدایش و تعمیق شکاف دولت و ملت حساس بود؛ چرا که بی‌توجهی به این موضوع و فعال شدن این شکاف ممکن است موجب تحریک و بسیج سایر شکاف‌های اجتماعی و در نهایت افزایش تنش و درگیری در جامعه شود، پیش‌بینی می‌شود این تنش‌ها در سه سطح خود را نمایان کند: اول، در لایه‌های اجتماعی یعنی مناسبات اجتماعی و فرهنگی مردم با یکدیگر. افزایش جرم و جنایت، دزدی، زورگیری، تجاوز به عنف و سایر آسیب‌های اجتماعی مانند افزایش بی‌اعتمادی عمومی، طلاق و خودکشی از جمله پیامدهای آن به شمار می‌روند. دوم، افزایش بی‌اعتمادی و تنش بین مردم و حاکمیت که در قالب‌هایی چون شورش، تظاهرات‌های صنفی و سیاسی تا رفتارهای غیرقابل پیش‌بینی در انتخابات تبلور پیدا می‌کند.

سوم، افزایش تنش‌ها و درگیری با کشورهای همسایه و منطقه در اشکال رسمی و غیررسمی، ذیل پدیده‌هایی چون درگیری‌های مذهبی، تنش‌ها یا ائتلاف‌های قومی، مهاجرت‌های موردی و مقطعی و نفوذ جریان‌های تکفیری به داخل کشور و یارگیری از میان ناراضیان مذهبی و در نهایت تسری جنگ مذهبی به داخل ایران با تحریک برای شکل‌گیری واکنش جریان تکفیری شیعی.

به نظر می‌رسد ارتقای کارآمدی دولت، زمینه‌سازی برای افزایش مشارکت بخش‌های مختلف جامعه در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کشور، افزایش نقدپذیری و ارتقاء سطح تحمل سیاسی مسئولین نظام و استفاده از ظرفیت‌های منتقدان و مخالفان از جمله مواردی است که می‌تواند زمینه‌های تقویت الفت و دوستی در میان جامعه، بین مردم و نظام سیاسی و بین ایران و کشورهای همسایه و منطقه را فراهم نماید که خود به تقویت همبستگی اجتماعی و تحکیم پایه‌های وحدت ملی در کشور منجر می‌شود. با اتکاء به گفتمان انقلاب اسلامی به عنوان مخرج مشترک اعتقادات و باورهای دینی و سیاسی مردم و گروه‌های سیاسی و تحقق اصول مغفول قانون اساسی و بهره‌گیری از دانش نظری نهفته در نظریه‌های

سیاسی به‌ویژه نظریه هابرماس می‌توان غیریت‌سازی‌های ناصحیح و غیرضروری در سیاست‌ها و برنامه‌های مختلف نظام را شناسایی و در جهت زدودن آنها اقدام کرد. بدون تردید چنین رویکردی نه تنها الفت و دوستی را در جامعه ایران گسترش خواهد داد، بلکه همبستگی ملی را بیش از پیش در کشور تقویت خواهد کرد. اتخاذ چنین راهبردی می‌تواند اقتدار و امنیت ملی را هم در عرصه داخلی و هم در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی ارتقا بخشد. در پایان با توجه به یافته‌ها و نیز محدودیت‌های پژوهش، پیشنهادهای زیر در راستای تحکیم وحدت و همبستگی ملی و تقویت الفت و دوستی در ایران ارائه می‌گردد. این پیشنهادهای در دو حوزه پژوهشی و اجرایی و با در نظر گرفتن سیاست‌های کلی نظام، اصول قانون اساسی و نیز خلاءهای موجود در سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی کشور تدوین و ارائه شده است.

پیشنهاد‌های پژوهشی

- تدوین و اجرای نظام پایش ملی برای تولید داده‌های خام و اولیه اجتماعی (تداوم اجرای طرح پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان که در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۱ در وزارت ارشاد انجام شد).
- تداوم اجرای طرح‌های پژوهشی شناخت ارزش‌ها و نگرش‌ها و مطالبات جوانان، زنان، اقوام ایرانی و اقلیت‌های دینی و مذهبی؛
- تداوم اجرای طرح‌های پژوهشی معطوف به شناخت ابعاد و زوایای مختلف هویت ملی و وحدت و همبستگی ملی؛
- اجرای طرح‌های پژوهشی معطوف به عوامل مقوم و مخل الفت و دوستی مردم و همبستگی ملی در ادوار مختلف تاریخ ایران (قبل و بعد از اسلام)؛
- اجرای طرح پژوهشی تجزیه و تحلیل گفتمان امام‌خمينی(ره) و انقلاب اسلامی در مورد اخوت اسلامی و همبستگی ملی در ایران؛
- اجرای طرح پژوهشی تجزیه و تحلیل مبانی و دستاوردهای فکری و تجربی دوران دفاع مقدس در حفظ و تقویت ایثار و نوع دوستی و تأثیر آن بر تحکیم همبستگی ملی؛

- آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه کشور در سال‌های قبل و بعد از انقلاب اسلامی از نظر توجه به مؤلفه‌های سرمایه‌های اجتماعی اعتماد عمومی، دوستی و وحدت و همبستگی ملی؛
- ارزیابی برنامه‌های توسعه کشور در سال‌های پس از انقلاب از نظر توجه به شکاف‌های اجتماعی و نحوه مدیریت آنها در جامعه؛
- اجرای طرح پژوهشی ارزیابی نتایج انتخابات شوراها، مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری از منظر مؤلفه‌های انسجام‌بخش ملی؛
- اجرای طرح پژوهشی ارزیابی نتایج انتخابات شوراها، مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری از منظر شکاف‌های اجتماعی در ایران؛
- اجرای طرح پژوهشی آسیب‌شناسی نظام آموزشی کشور از منظر میزان توجه به مؤلفه‌های دوستی و وحدت و همبستگی ملی در ایران؛
- اجرای طرح پژوهشی ارزیابی تأثیر زندگی دانشجویان در خوابگاه‌های دانشجویی در تقویت پیوندهای اجتماعی و تحکیم هویت و همبستگی ملی؛
- اجرای طرح پژوهشی ارزیابی تأثیر انتشار نشریات دانشجویی بر تقویت هویت همبستگی ملی؛
- اجرای طرح پژوهشی ارزیابی تأثیر اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها بر مناطق محروم کشور؛
- اجرای طرح پژوهشی ارزیابی تأثیر اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها بر وضعیت شکاف‌های اجتماعی در ایران؛
- اجرای طرح پژوهشی ارزیابی تأثیر سیاست‌ها و روش‌های گزینش افراد در دستگاه‌های دولتی کشور بر ایجاد الفت یا تخاصم در میان مردم؛
- اجرای طرح پژوهشی ارزیابی تأثیر سیاست‌های فرهنگی کشور بر تقویت الفت و دوستی و تحکیم وحدت و همبستگی ملی در ایران؛
- اجرای طرح پژوهشی ارزیابی تأثیر سیاست‌های رسانه‌ای (صدا و سیما، مطبوعات و فضای مجازی) بر تقویت الفت و دوستی و تحکیم وحدت و همبستگی ملی در ایران؛

- اجرای طرح پژوهشی ارزیابی تأثیر برنامه‌های نمایشی صدا و سیما (سریال، انیمیشن و...) بر تقویت الفت و دوستی و تحکیم وحدت و همبستگی ملی در ایران؛
- اجرای طرح پژوهشی ارزیابی تأثیر تولیدات فرهنگی (کتاب، لوح فشرده، فیلم، تأثر و...) بر تقویت الفت و دوستی و تحکیم وحدت و همبستگی ملی در ایران؛
- اجرای طرح پژوهشی ارزیابی نحوه پردازش کتاب‌های درسی و کمک درسی به موضوع الفت و دوستی و وحدت و همبستگی ملی؛
- اجرای طرح پژوهشی ارزیابی اجرای طرح بومی‌گزینی در دانشگاه‌ها بر وحدت و همبستگی ملی؛
- اجرای طرح پژوهشی جایگاه دوستی و وحدت و همبستگی ملی در قانون اساسی و سند چشم‌انداز بیست‌ساله نظام؛
- اجرای طرح پژوهشی بررسی تطبیقی وضعیت جوانان در ایران و کشورهای منطقه، جهان اسلام و پیشرفته جهان (با تأکید بر حقوق شهروندی)؛
- اجرای طرح پژوهشی بررسی تطبیقی وضعیت زنان در ایران و کشورهای منطقه، جهان اسلام و پیشرفته جهان (با تأکید بر حقوق شهروندی)؛
- اجرای طرح پژوهشی بررسی تطبیقی وضعیت اقلیت‌های قومی در ایران و کشورهای منطقه، جهان اسلام و پیشرفته جهان (با تأکید بر حقوق شهروندی)؛
- اجرای طرح پژوهشی بررسی تطبیقی حقوق شهروندی، آزادی‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و وضعیت اقتصادی اقلیت اهل سنت در ایران با اقلیت شیعه در سایر کشورهای مسلمان‌نشین؛
- اجرای طرح پژوهشی بررسی آراء و اندیشه‌های علمای دینی و متفکران و مصلحان جهان اسلام در خصوص از بین بردن اختلافات شیعه و سنی و افزایش وحدت در جهان اسلام؛
- اجرای طرح پژوهشی تدوین الگوی مطلوب سیاست‌گذاری فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی برای مدیریت شکاف مذهبی برای تحقق همزمان وحدت ملی و اتحاد جهان اسلام.

پیشنهادهای اجرایی

الف) شکاف نسلی

- برنامه‌ریزی دقیق و هوشمندانه برای تحقق مطالبات جوانان در بخش مسکن، اشتغال و ازدواج؛
- ایجاد فضای باز سیاسی برای نقد اوضاع سیاسی و اقتصادی کشور در دانشگاه‌ها؛
- زمینه‌سازی برای ایجاد و تقویت تشکل‌های مدنی جوانان در سراسر کشور؛
- زمینه‌سازی برای اصلاح سیاست‌ها و روش‌ها برای تقویت کانون‌ها، تشکل‌های سیاسی، مدنی و صنفی در دانشگاه‌ها؛
- حمایت از تولید آثار فرهنگی فاخر دارای پشتوانه پژوهشی در خصوص مفاهیمی چون دوستی، اعتماد عمومی و عوامل مقوم و مخل آنها و تحلیل نقش جوانان در تقویت آن؛
- تجلیل از مفاخر علمی و هنری و ورزشی کشور در بخش جوانان؛
- زمینه‌سازی برای حمایت بیشتر از جوانان برای موفقیت بیشتر در عرصه‌های علمی و ورزشی داخلی و بین‌المللی؛
- رفع محدودیت‌های غیر ضروری و مضر برای آزادی‌های سیاسی و اجتماعی جوانان؛
- برگزاری مسابقات علمی و ورزشی برای جوانان با نمادهای ملی و پوشش رسانه‌ای؛
- تداوم و تقویت حضور جوانان در مدیریت‌های میانی و بالایی کشور؛
- زمینه‌سازی برای تعامل بیشتر جوانان در قالب اردوهای دانشجویی و دانش‌آموزی، خوابگاه‌ها، نشریات دانشجویی؛
- حمایت از برگزاری اردوهای فرهنگی ایران شناسی در مدارس و دانشگاه‌های کشور.

ب) شکاف جنسیتی

- بهره‌گیری بیشتر از ظرفیت اجتهاد در فقه تشیع برای اصلاح قوانین و مقررات مخل حقوق زنان در کشور؛
- زمینه‌سازی برای حضور بیشتر زنان در مشاغل، مناصب و سیستم‌های مدیریتی مربوطه؛

- اتخاذ سیاست‌های مبتنی بر تبعیض مثبت برای زنان شاغل (کاهش ساعات کار، افزایش مرخصی زایمان و...)
- حمایت از شکل‌گیری تشکل‌های مدنی زنان (سازمان‌های غیردولتی)؛
- حمایت از تعامل بین‌المللی تشکل‌های مدنی زنان به منظور تقویت حس ملی ایشان؛
- حمایت از تولید آثار هنری فاخر به‌ویژه سریال‌های تلویزیونی در تبیین به دور از افراط و تفریط حقوق زنان در اسلام و ایران؛
- برگزاری میزگردهای علمی و دینی با حضور عالمان دینی و فرهیختگان دانشگاهی برای تبیین نظام حقوق زن در اسلام؛
- حمایت از تولید سریال‌های تلویزیونی با موضوع مقایسه وضعیت زنان در ایران با دیگر کشورهای اسلامی و منطقه؛
- حمایت از حضور فعال دختران دانشجو در تشکل‌های سیاسی و کانون‌های فرهنگی، صنفی و ورزشی در دانشگاه‌ها؛
- معرفی زنان موفق در تاریخ ایران در رسانه ملی (به‌ویژه کسانی که در راه خدمت به وطن خدمات شایانی عرضه کرده‌اند)؛
- پرهیز از افراط و تفریط برای حضور زنان در پست‌های مدیریتی بالای کشور با رعایت اصل شایسته‌سالاری؛
- حمایت از حضور زنان خانه‌دار به مشارکت در فعالیتهای فرهنگی محلی (شورایاری، فعالیتهای خیریه و...)
- زمینه‌سازی برای ارتقاء سطح تحصیلات دانشگاهی زنان ایرانی.

ج) شکاف قومی

- اصلاح سیاست‌ها و قوانین و مقررات و رویه‌های جاری کشور در جهت تحقق اصل ۱۵ قانون اساسی؛
- برنامه‌ریزی دقیق در جهت افزایش سطح توسعه اقتصادی و ارتقاء شاخص‌های توسعه انسانی در مناطق قومی کشور؛
- زمینه‌سازی برای مشارکت حداکثری اقوام ایرانی در تصمیم‌گیری‌های محلی (شوراها)، استانی و ملی؛

- اصلاح رویه‌های افراط‌گرایانه موسوم به «بومی‌گرایی» در مناطق قومی کشور و تأکید بر شایسته‌سالاری؛
- تداوم پرداخت یارانه نقدی و حتی‌الامکان افزایش آن در مناطق محروم به‌ویژه مناطق محروم قومی کشور؛
- حمایت از تولید آثار هنری به‌ویژه سریال‌های تلویزیونی در جهت تقویت دوستی و همگرایی ملی اقوام ایرانی؛
- حمایت از شکل‌گیری و تقویت تشکل‌های مدنی و صنفی متمایل به مرکز در مناطق قومی کشور؛
- بهره‌گیری از ظرفیت‌های دین اسلام برای تبیین غیرشرعی بودن نگاه قومی (ایجابی و سلبی) در مسایل کشور؛
- اعمال سیاست‌های تشویقی و تنبیهی برای افراد و جریان‌های مقوم و مخلل وحدت ملی بین اقوام ایرانی؛
- تقویت شبکه‌های تعامل رسمی و غیر رسمی (خویشاوندی) بین قومی در اقوام ایرانی؛
- تقویت مراکز علمی، تحقیقاتی و دانشگاهی در مناطق قومی کشور؛
- حمایت از شکل‌گیری و فعالیت مطبوعات و نشریات محلی و قومی فاقد گرایش‌های گریز از مرکز؛
- حمایت از تولید برنامه‌های فرهنگی (مانند جشنواره‌های موسیقی و...) با مضامین الفت و دوستی، اشتراکات فرهنگی دینی و ملی اقوام ایرانی در جهت تقویت همگرایی ملی.

د) شکاف مذهبی

- اصلاح سیاست‌ها و برنامه‌های فرهنگی و رسانه‌ای کشور در جهت انطباق بیشتر با اصول قانون اساسی به منظور کاهش شکاف مذهبی و تحقق آرمان عدالت اجتماعی در کشور؛
- برنامه‌ریزی در صداوسیما در جهت ساخت فیلم و سریال‌های تلویزیونی و تشکیل میزگردهای علمی در زمینه تحقق عدالت اجتماعی، تقویت اعتماد، اخوت و دوستی

- و کاهش شکاف دینی، قومی و مذهبی در کشور با تأکید بر مشترکات فرهنگ ایرانی، اسلامی و ادیان توحیدی؛
- اعمال سیاست‌های تشویقی و تنبیهی در جهت سوق دادن مطبوعات کشور (مجازی و غیرمجازی) به منظور پیگیری موضوع دوستی و وفاق ملی و تلاش برای کاهش شکاف مذهبی در ایران؛
- اعمال سیاست‌های تشویقی در جهت تقویت نشریات و مطبوعات محلی به‌ویژه مطبوعات اهل سنت به عنوان مدافعان هم‌زمان اصول معطوف به حقوق اهل سنت و اصول معطوف به وحدت ملی؛
- سیاست‌گذاری و تنظیم برنامه در جهت استفاده از ظرفیت‌های دینی در مساجد، منابر، حسینیه‌ها و جایگاه‌های نماز جمعه در جهت اتحاد و دوستی بین شیعه و سنی و تقویت وحدت ملی؛
- اعمال سیاست‌های تشویقی و تنبیهی برای افراد و جریان‌های مقوم و مخلّ وحدت ملی به طور هم‌زمان در بین اهل تشیع و تسنن؛
- افزایش تعاملات فکری و تبادلات فرهنگی بین علمای مدافع تقریب و همزیستی مذاهب اسلامی در ایران و جهان اسلام؛
- اصلاح سیاست‌ها و قوانین معطوف به افزایش "بومی‌گزینی" در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور به منظور تقویت نقش کلاس‌های درس، خوابگاه‌ها، نشریات، کانون‌ها، تشکل‌ها، شورای صنفی و انجمن‌های علمی دانشجویی در تقویت الفت و دوستی جوانان و تحکیم هویت و همبستگی ملی؛
- تقویت تشکل‌های مدنی در میان اهل تسنن به عنوان عامل پیوند شبکه‌های ملی و محلی برای شناسایی، تجمیع و انتقال مطالبات به مرکز و نیز تعدیل آن در جهت کاهش واگرایی؛
- برنامه‌ریزی اقتصادی یا اصلاح برنامه‌های موجود در جهت محرومیت‌زدایی از بخش‌های سنی‌نشین توسعه‌نیافته و فقیر؛

- تداوم و تقویت پرداخت یارانه به هم‌وطنان اهل سنت به عنوان یکی از مظاهر اخوت دینی و عدالت اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران در چارچوب قانون هدفمندسازی یارانه‌ها؛
- بسترسازی برای افزایش مشارکت اهل سنت در تصمیم‌گیری‌های ملی و محلی به‌ویژه در شورای اسلامی شهر و روستا؛
- بهره‌گیری از ظرفیت‌های اجتهادی فقه تشیع به‌ویژه نظر مراجع عظام برای همگرایی اهل سنت و تشیع در داخل؛
- دیدار نمادین مردم و علمای اهل سنت با مقام معظم رهبری و تبیین دیدگاه‌های نظام در خصوص جایگاه اهل سنت در کشور جهت تبدیل آن رهنمودها به سیاست و برنامه اجرایی؛
- تقویت جریان‌های فکری معتدل در میان هم‌وطنان اهل سنت و مقابله جدی با جریان‌های افراطی وابسته به خارج (سلفی‌های وابسته به عربستان)؛
- رفع برخی محدودیت‌های غیر ضروری برای هم‌وطنان اهل سنت (به طور مثال حق داشتن مسجد در شهر تهران)؛
- تبیین پیامدهای ناشی از اختلافات مذهبی در کشورهای اسلامی در مطبوعات و رسانه ملی (مانند جنگ داخلی و عقب‌ماندگی اقتصادی) (بررسی موردی عراق و افغانستان)؛
- اهتمام دستگاه‌های اجرایی کشور به رصد شاخص‌های توسعه انسانی و اجتماعی (بهداشت، بیمه، امید به زندگی و...) در مناطق سنی‌نشین کشور و تلاش در جهت افزایش شاخص‌های توسعه اجتماعی و انسانی در این مناطق؛
- مدیریت شکاف‌های اجتماعی و تبدیل شکاف‌های متراکم به شکاف‌های متقاطع با بهره‌گیری از سیاست‌ها و برنامه‌های مبتنی بر تحقق عدالت اجتماعی و تقویت دوستی در تمام سطوح (سیاسی و اقتصادی و فرهنگی).

منابع فارسی

آقاجری، هاشم (۱۳۸۲)، "انقطاع نسل‌ها، انسداد نسل‌ها"، در علی‌اکبر علیخانی، *گسست نسل‌ها*، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

۷۶ آسیب‌شناسی شکاف‌های اجتماعی و ارائه راهبردهایی برای تقویت همبستگی ملی در ایران

احمدی، حمید (۱۳۸۶)، «اتحاد ملی، هویت ملی و ضرورت بازسازی آن در ایران»، *مجموعه مقالات همایش ملی «اتحاد ملی؛ راهبردها و سیاست‌ها»*، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.

- افروغ، عماد (۱۳۸۳)، «نسبت میان هویت ملی و هویت دینی»، *فرهنگ و اندیشه*، شماره ۱۴۷۶.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۶)، *عقل در سیاست*، چاپ سوم، تهران: انتشارات نگاه معاصر.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۲)، *جامعه‌شناسی سیاسی*، تهران: نشر نی.
- پاینده، محبوبه و فروزنده جعفرزاده‌پور (پاییز و زمستان ۱۳۸۹)، «بررسی رابطه میزان هویت ملی و قومی در بین جوانان دغدشت»، *فصلنامه پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه*، شماره پنجم.
- پناهی، محمدحسین و فریبا شایگان (۱۳۸۶)، «اثر میزان دینداری بر اعتماد سیاسی»، *فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی*، شماره ۳۷.
- پیشگاهی فرد و همکاران (۱۳۸۹)، «تعامل در فضای سایبر و تأثیر آن بر هویت زنان در ایران (مطالعه موردی دانشجویان دختر دانشگاه تهران)»، *فصلنامه زن در توسعه و سیاست*، دوره ۸، شماره ۲.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۲)، «زمینه‌های اجتماعی گسست نسلی در ایران»، در علی‌اکبر علیخانی، *گسست نسل‌ها*، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- توکلی، مهناز (۱۳۸۲)، «بررسی ویژگی‌های دو نسل در چارچوب نظام ارزشی»، در علی‌اکبر علیخانی، *گسست نسل‌ها*، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- تیموری، کاوه (۱۳۷۷)، «بررسی ارزش‌های پدران و پسران و بروز شکاف در میان نسل‌ها»، *فصلنامه فرهنگ عمومی*، شماره ۱۷-۱۶.
- جلیلی، هادی (۱۳۷۸)، «شکاف نسل‌ها»، *فصلنامه فرهنگ عمومی*، شماره ۱۵-۱۴.
- چیت‌ساز، محمدجواد (بهار و تابستان ۱۳۸۶)، «بازشناسی مفاهیم نسل و شکاف نسلی»، *دو فصلنامه جوانان و مناسبات نسلی*، شماره اول.
- داریاپور، زهرا (بهار و تابستان ۱۳۸۶)، «ساختار ارزشی و مناسبات نسلی»، *دو فصلنامه جوانان و مناسبات نسلی*، شماره اول.
- سحابی، جلیل و هاشم آقا بیگ‌پوری (۱۳۸۹)، «بررسی تأثیر بعد فرهنگی جهانی شدن بر هویت قومی (مطالعه موردی جوانان ۲۹-۱۵ سال شهر بوکان)»، *مطالعات ملی*، پیاپی ۴۱، سال ۱۱، شماره اول.
- سراج‌زاده، سید حسین و جمال ادهمی (۱۳۸۷)، «بررسی تفاوت‌های قومیتی دانشجویان از نظر فعالیت در کانون‌های فرهنگی دانشگاه‌ها»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، سال اول، شماره ۲.
- عبداللهیان، حمید (۱۳۸۲)، «تغییرات فرهنگی و شکاف نسل‌ها در ایران»، در علی‌اکبر علیخانی، *گسست نسل‌ها*، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- علوی‌پور سیدمحسن و مرتضی بحرانی (بهار ۱۳۹۰)، «دوستی کلاسیک و همبستگی معاصر»، *رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۲۵.
- علوی‌پور، سیدمحسن (زمستان ۱۳۸۷ و بهار ۱۳۸۸)، «دوستی در اندیشه سیاسی و روان‌درمانی»، *پژوهش سیاست نظری*، شماره ۵.
- قادری، حاتم (۱۳۸۲)، «انقطاع نسل‌ها: انقلابی کامل»، *مجموعه مقالات گسست نسل‌ها*، به اهتمام علی‌اکبر علیخانی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

- قنبری برزبان، علی و فروزنده جعفرزاده پور (۱۳۹۰)، "قدرت هویت ایرانیان"، *مطالعات ملی*، سال ۱۲، شماره ۴، پیاپی ۴۸.
- کشاوری، امرالله و همکاران (۱۳۸۳)، *نظرسنجی از مردم تهران درباره اعتمادشان به یکدیگر*، مرکز تحقیقات و سنجش برنامه‌های سازمان صدا و سیما، شماره ۱۴۷.
- ماژرزاک (۱۳۷۹)، *روش‌های سیاست پژوهی*، ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران: تبیان.
- محبی، اکرم و همکاران (۱۳۸۹)، "جهانی‌شدن و هویت‌های محلی و جهانی دانشجویان (مطالعه موردی دانشگاه تبریز)"، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، دوره سوم، شماره ۲.
- مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) (۱۳۸۵)، *پیمایش ملی فرهنگ سیاسی مردم ایران*، موج اول.
- مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) (۱۳۸۶)، *پیمایش ملی فرهنگ سیاسی مردم ایران (۱۳۸۵)*، موج اول.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۹)، *وضعیت عمومی جامعه*، عملکرد نهادهای حکومتی (نتایج نظرسنجی از شهروندان ۳۰ مرکز استان)، کد موضوعی ۲۹۰، شماره مسلسل ۱-۱۰۶۴۴۱.
- مروت، برزو و مصطفی باغبانیان (۱۳۹۰)، "بررسی نگرش دانشجویان منطقه یازده دانشگاه آزاد اسلامی به اتحاد ملی و انسجام اسلامی"، *مطالعات ملی*، پیاپی ۴۸ سال ۱۲، شماره ۴.
- منوچهری، عباس (زمستان ۱۳۸۳)، "دوستی، بینا ذهنیت و همبستگی"، *فرهنگ اندیشه*، سال سوم، شماره ۱۲.
- منوچهری، عباس (پاییز و زمستان ۱۳۸۴)، "دوستی در فلسفه سیاسی"، *پژوهش سیاسی نظری*، شماره ۱۰.
- نواح، عبدالرضا و همکاران (۱۳۸۹)، "آسیب‌شناسی مسایل قومی در ایران: مطالعه موردی عرب‌های ساکن شهرستان اهواز"، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، دوره سوم، شماره ۳.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۰)، *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*، دفتر انتشارات طرح پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۲)، *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج دوم)*، یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور، دفتر انتشارات طرح پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۲)، *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*، دفتر انتشارات طرح پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۲)، *جنسیت و نگرش اجتماعی*، کارگاه تحلیل یافته‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌ها.

منابع لاتین

- Manza Jeff and Clem Brooks (1999), *Social Cleavages and Political Change*, Oxford: Oxford University Press
www.Tahooranesh.com